

# اسلام؛ علم و تکنولوژی

محمد رضا طاهری

عضو هیئت علمی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

خشیت دارند. و درباره علم که سرچشمه پیشرفتهای مادی نیز هست می فرماید: «قال انما اوتيته على علم عندي»<sup>(۳)</sup> «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است بدست آورده ام یا می فرماید: «هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»<sup>(۴)</sup> «یعنی آیا کسانی که می دانند یا کسانی که نمی دانند یکسانند یا «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات»<sup>(۵)</sup> یعنی (اگر به دستور الهی عمل کنید) خداوند کسانی را که از میان شما ایمان آورده اند و آنها که از علم بهره دارند به درجات عظیمی بالا می برد.

و به پیامبر اکرم ﷺ فرمان می دهد که از خدا بخواهد علمش را زیاد کند: «و قل رب زدنی علماً»<sup>(۶)</sup> «بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن»

اصولاً ظهور اسلام با دعوت از فراگیری علم و دانستن شروع شد مثلاً در این مورد می فرماید: «اقرا باسم ربک الذی خلق \* خلق الانسان من علق \* اقرا و ربک الاکرم \* الذی علم بالقلم \* علم الانسان ما لم یعلم»<sup>(۷)</sup> «یعنی بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفریده همان کسی که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. و بخوان که پروردگارت از همه گرامی تر است همان کسی که بوسیله قلم تعلیم داده و به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت» و مواردی دیگر مانند «اقلا یتفکرون» آیا اندیشه نمی کنید؟ یا اینکه در جایی دیگر خداوند به قلم قسم یاد می کند «ن و القلم و ما یسطرون» با توجه به موارد فوق که در صد کلی از آیاتی است که در قرآن مجید در ارتباط با علم و دانش آمده است.

اما چرا روزگار مسلمانان در ارتباط با علم و دانش رضایت بخش نیست در حالی که هیچ دین و مسلکی تا این حد به

امروزه تقریباً تمامی کشورهای مسلمان در ردیف کشورهای به اصطلاح جهان سوم و به تعبیری در حال توسعه می باشند، کشورهای مسلمان از وضعیت مطلوب علمی برخوردار نمی باشند و نسبت به کشورهای توسعه یافته صدها سال فاصله دارند و این فاصله روز بروز بیشتر می شود. بطور مثال بدهی کشورهای عقب افتاده جهان پیشرفته در سی سال پیش حدود شصت میلیارد دلار بود ولی امروز بیش از هزار میلیارد دلار می باشد.

علیرغم این امر که دین اسلام برای علم اهمیت قابل توجهی قایل شده است. بسیاری از کشورهای مسلمان از ثروتی زیاد که عنایت خداوند با آنها است، برخوردار می باشند بخصوص کشورهای نفت خیز خاورمیانه، اما تاکنون این کشورها هرگز نتوانسته اند از این نعمات الهی در جهت توسعه و تحول جوامع خود بهره مطلوب بگیرند. مثلاً اگر این کشورها را با کشوری مانند ژاپن مقایسه کنیم، علیرغم اینکه ژاپن از ذخایر طبیعی کافی برخوردار نمی باشد اما امروز در سطح عالی ترین کشورهای مرفعی و صنعتی قرار دارد و اقتصاد آن حرف اول را می زند. لذا به نظر می رسد که کشورهای اسلامی به این توصیه های اسلامی توجه کافی ننموده اند.

در آیات الهی در قرآن مجید اشارات و تأکیدات زیادی در مورد آگاهی و دانش شده است و مکرراً پیروان خود را به فراگیری از علم دعوت می کند و در شرایطی این آیات به مردم ابلاغ می شود که جهل و نادانی در جوامع انسان بخصوص شبه جزیره عربستان به اوج خود رسیده بود. بطور مثال خداوند می فرماید: «ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلى علیهم بخرون للاذقان سجداً و یقولون سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولاً» «یعنی آنها که پیش از آن علم و دانش دریافت داشته اند هنگامی که قرآن بر آنها تلاوت شود به خاک می افتند و سجده می کنند و می گویند: منزه پروردگار ما که وعده هایش قطعاً انجام شدنی است.»<sup>(۱)</sup>

و همچنین می فرماید: «انما یتخشی الله من عباده العلماء»<sup>(۲)</sup> یعنی از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او

۱- اسرا: ۱۰۸-۱۰۷

۲- فاطر: ۲۸

۳- قصص: ۷۸

۴- زمر: ۹

۵- مجادله: ۱۱

۶- طه: ۱۱۲

۷- علق: ۱ تا ۵

علم و دانش و لزوم فراگیری آن اهمیت نداده است. باز هم باید گفت: که پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «العلم حیاة الاسلام و عماد الایمان» یعنی علم مایه حیات اسلام و ستون ایمان است به این حدیث اگر توجه شود پیامبر اسلام ﷺ حیات و بقای اسلام را در گرو علم دانسته اند لذا اگر وضع جوامع اسلامی از لحاظ ارتقاء سطح زندگی کمی و کیفی رضایت بخش نیست علت آن در عدم توجه به علم است. به نظر می رسد صاحبان علم و دانش وابسته به دربار در طول تاریخ برای رضایت دیکتاتورهای زمان خود اسلام را بسوی جنبه های خرافی و انحرافی سوق داده اند و خرافات و جهل را وارد احکام و دستورات اسلام نموده اند. اینها همان کسانی هستند که دستشان با دیکتاتورها در یک کاسه بوده و منافع مشترک در ثروت و قدرت با آنها داشته اند و همیشه منافع و قدرتمندی اینگونه انسانها در فقر فرهنگی و علمی و آگاهی انسانهای مسلمان بوده است. در حالی که پیامبر عظیم الشان اسلام می فرماید: «فضل العلم احب الی من فضل العبادة» یعنی فضل علم نزد من از فضل عبادت محبوبتر است یا در جایی دیگر می فرماید: یک دانشمند برای ابلیس، زحمتش از هزار عابد بیشتر است یا در مورد وظیفه مؤمن می فرماید: «کن عالماً او متعلماً او مستمعاً او محباً و لا تکن الخامس» یعنی همیشه دانشمند باش یا دانش طلب و یا شنوا از دانشمندان و یا دوستداران آنان هرگز نفر پنجمی نباش که هلاک خواهی شد.

شخصی از پیامبر اسلام ﷺ سؤال می کند که نشانه اسلام چیست؟ می فرماید: ایمان است و دانش و کردار، بنابر این ملاحظه می شود که پیامبر اسلام ﷺ چقدر به علم و دانش اهمیت داده و وجود و استمرار اسلام را در گرو آن دانسته است حتی در پایان جنگ بدر دستور فرمودند که آن دسته از اسیرانی که توان پرداخت فدیة ندارند ولی سواد دارند فدیة شان این است که ده نفر از مسلمانان را خواندن و نوشتن بیاموزند و آنگاه آزاد گردند.

امروزه کشورهای توسعه یافته و ابر قدرتها با تکیه بر علم و دانش و تکنولوژی خود بر دنیا حاکم هستند. اگر امروز آمریکا با مجهزترین امکانات و پیشرفت های تکنولوژی جنگی خود هر روز در اکثر کشورهای مسلمان نشین دنیا آدمکهای بوش و بلر (رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر انگلیس) را آتش می زنند و مرتباً مرگ بر آمریکا و انگلیس می گویند، اما عملاً دستشان خالی است و با

دست خالی نمی شود کاری انجام داد!! امروزه تمامی مسلمانان دنیا اعم از مردم و دولتهایشان از آمریکا می خواهند که حداقل در ماه مبارک رمضان حملات و بمباران های خود را متوقف کند، اما چون آنها مسلمانان را ضعیف می بینند به درخواست آنها توجهی نمی کنند. حتی رهبر نظامی پاکستان برای این درخواست شخصاً به لندن رفته است اما به خواهش ایشان نیز که تنها حامی و همکار صددرصد با آنها می باشد اعتنا نکردند!! حال اگر مسلمانان متحد و به سلاح علم و دانش و تکنولوژی مجهز بودند، قطعاً اینهمه گستاخی از آمریکا و هم پیمانانش انگلیس در خصوص این همه حضور در خاورمیانه و کوبیدن کشور مسلمان افغانستان سر نمی زد. لذا معلوم است که حکام مسلمان و متولیان دین بعد از پیامبر اسلام ﷺ به نصایح ایشان و وحی الهی در خصوص فراگیری علم و دانش کمتر توجه کرده اند و امروزه بعد از یکهزار و چهارصد و بیست سال تقاص این بی توجهی خودشان را پس می دهند.

لذا امروز مسلمانان باید تحولی در فراگیری علم بوجود آورند و روی مغزها سرمایه گذاری کنند، مغزها را پرورش بدهند زیرا مغز انسان کهربای علم است و ارزش مغز به علم و دانشی است که در آن ذخیره می گردد در غیر اینصورت ارزشی ندارد حتی در فراگیری علم و دانش باید حسادت کنند هر چند که حسادت در اسلام جایگاهی ندارد، اما حضرت علی علیه السلام فقط در این مورد آن را جایزه می داند و می فرماید: مؤمن چابلوس و حسود نیست مگر در طلب علم و دانش. بنابر این مغزها را باید از خرافات و جهل و نادانی و انحرافات نجات دهند.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «الملوک حکام علی الناس و العلماء حکام علی الملوک» یعنی زمامداران بر مردم حکومت می کنند و دانشمندان بر زمامداران.

بهر حال زکات علم همانگونه که قبلاً گفته شد آموختن به بیسوادان و سواددار کردن آنها است. باز هم حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» یعنی جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است.

یا در جایی دیگر می فرماید: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» یعنی در همه ی عمر از گهواره تا گور در جستجوی طلب علم باشید لذا علم فصل و زمان و مکان معینی ندارد حتی انسان برای نماز خواندن بایستی زمان و مکان خاصی را در نظر بگیرد اما فراگیری علم این محدودیت

را ندارد. یا آنجا که می‌فرماید: «اطلبوا العلم ولو بالصین» یعنی دنبال فراگیری علم برو اگر چه برای یافتن این علم به چین بروی. در آن روزگار چین از دورترین نقاط دنیا بوده که پیامبر ﷺ تأکید فرموده‌است. پس هر چه هست و هر گونه تکامل، تحول، پیشرفت، رفاه، سعادت بشری و خوشبختی ناشی از علم است.

حتی در زندگی زناشویی اگر زن و مرد از علم و آگاهی و پختگی کافی برخوردار باشند در آنصورت اختلافاتی اگر بین آنها بروز کند به جای آنکه از همدیگر جدا شوند و کار آنها به طلاق بیانجامد یا با خشونت به کوبیدن همدیگر متوسل شوند، با مذاکره و گفتگو که پشتوانه علمی داشته باشد مشکلات فی ما بین را حل می‌کنند. معمولاً آمارهای طلاق و جدایی بین زن و شوهر در خانواده هایی که از علم و دانش بیشتری برخوردار هستند بمراتب کمتر است از خانواده هایی که از سواد کافی برخوردار نیستند، یا اصولاً بی سواد هستند زیرا که انسانهایی که بیسواد هستند بیشتر تحت تأثیر نصایح بدخواهان قرار می‌گیرند یا اسیر و گرفتار رمالان و کف بینان می‌شوند و با راهنمایی هایی مخرب آنها زندگی زناشویی شان تلخ می‌گردد.

می‌توانیم این مثال را در مورد رابطه کشورها با همدیگر در سطح بین المللی مطرح کنیم. دنیای امروز نتیجه درگیریها و جنگها و تکامل تاریخ بشری می‌باشد و در این مقطع زمانی متوقف نمی‌شود بلکه تضادها وجود دارد و برخورد تضادها در آینده شکل دیگری از دنیای موجود را ایجاد می‌کند. ما هنوز شاهد جنگها و درگیریها بین کشورهای جهان می‌باشیم اما اگر به عمق قضیه توجه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که در این جنگها علم و دانش به نوعی دخالت دارد. دو کشور عراق و کویت با هم می‌جنگند هر دو منابع و دارایی‌های همدیگر را از بین می‌برند زیرا هر دو کشور از علم و دانش کافی برخوردار نیستند زیرا اگر از علم کافی برخوردار بودند دور یک میز مذاکره مسایل و مشکلات فی ما بین را حل می‌کردند یا افغانستان و عراق نمی‌توانند یا توانستند خودشان را با دنیای امروز تطبیق دهند تا مورد حمله قرار نگیرند بهر حال در دنیای امروز در جنگهایی که بین دو کشور اتفاق می‌افتد یکی یا هر دوی این کشورها از دانش و تکنولوژی و علم کافی برخوردار نیستند، اما تصور اینکه دو کشور مثل سوئیس یا سوئد با هم درگیر شوند و برای همدیگر لشکر کشی کنند بسیار بعید است زیرا هر دو از سطح

علمی کافی برخوردار هستند و مشکلات فی ما بین را دور یک میز مذاکره حل و فصل می‌کنند و بخود خسارت نمی‌رسانند. اینگونه کشورها به اهمیت منابع مالی و انسانی خود توجه دارند.

مثال دیگری می‌آوریم، همانگونه که در آمار جرایم آمده بود میزان تصادفات اتومبیل و افرادی که در تصادفات کشته می‌شوند در طول یکسال در کشور ما بیش از هفده هزار نفر است اما در کشور سوئد در طول بیست سال یک یا چند نفر بیش نبوده است. آیا دلیل آن می‌تواند چیزی غیر از توسعه علم و دانش و رشد فرهنگی در کشور سوئد باشد؟ آنها اتومبیل را برای رسیدن به مقصد استفاده می‌کنند در حالی که در کشورهای عقب افتاده اکثراً به عنوان وسیله‌ای که نمی‌دانند چگونه از آن استفاده کنند بکار می‌گیرند مثلاً مردم این کشورها از آنجا که عقاید شان آلوده به خرافات است بدون اینکه اتومبیل خود را بررسی کافی کنند یا عقل خود را برای بکارگیری اتومبیل بکار اندازند، مسافرت می‌کنند و وقتی که دچار تصادفات وحشتناک می‌شوند خود را مقصر نمی‌دانند می‌گویند قسمت اینگونه بوده است در حالی که خداوند متعال به انسان عقل و تفکر داده است که اینگونه مسایل پیش بینی و پیشگیری شود.

لذا جستجو و طلب علم بر اساس احکام اسلام بر همه مسلمین اعم از زن و مرد واجب است و هیچ استثنایی در این مورد پذیرفته نیست. بعضی‌ها ممکن است فکر کنند که منظور دین اسلام از علم، علم خاصی است مثلاً علم دین.

امام محمد غزالی می‌نویسد: متکلمان می‌گویند که این علم کلام است، که معرفت خدای تعالی بدین حاصل آید، و فقها می‌گویند که این علم فقه است که حلال از حرام بدین جدا بود و محدثان می‌گویند که این علم کتاب و سنت است که اصول علم شرع این است و صوفیان می‌گویند که علم احوال دل است که بنده را بحق تعالی واصل است. هر کس از دیدگاه خودش تأکید به همان علمی می‌کند که خود علاقمند است در حالی که منظور علم خاص نیست بلکه علم در همه زمینه‌ها است، در دنیای امروز علوم آنقدر پیشرفته است که امکان اینکه یک نفر در دو رشته‌ی متفاوت متخصص شود خیلی کم است، لذا هر انسانی در هر شاخه‌ای که موجب تحول و دگرگونی و پیشرفت در امور انسانها بشود وارد بشود، مقدس است. اگر هدف فقط علم دین بود نمی‌گفتند که

طلب علم کن اگر چه در چین باشد زیرا در آن زمان علوم دینی مورد نظر در چین نبوده است. لذا بطور کلی هر علمی که به حال مردم مفید باشد و گرهی از کار آنها بخصوص مسلمین بگشاید، آن علم فریضه دینی است در اسلام چیزی بنام علم حرام وجود ندارد مگر آن چیزهایی که ظاهر علمی دارند مثل جادوگری و کف بینی و آینه بینی و سایر خرافاتی که شیادان روزگار امروز در قالب مسایل دینی آنها را بخورد مردم عامی و بیسواد می دهند و از این راه دکان و کار و کاسبی برای خود راه انداخته اند و ضربه بر دین و ایمان مردم مسلمان می زنند.

بنابر این از آنجا که سعادت مسلمین در فراگیری علم می باشد زیرا تنها به واسطه علم است که بشر می تواند به علل و فلسفه ی هرگونه موضوعی در زندگی خود پی ببرد و از نظر فلاسفه تنها راه بسوی مدینه فاضله علم است. شرافت انسان در علم اندوزی است نه در جنگ و گردنکشی، بندگی انسان تنها در راه کسب علم معنا دارد. دانش دوستی رمز پیشرفت و بقای انسان است، سرنوشت هر جامعه ای بستگی به میزان بار علمی او دارد. اهل علم و متفکرین و قلم بدستان سرمایه های اصلی هر جامعه هستند و در جهت حفظ و رشد و ارتقای آنها باید کوشش نمود.

**توانا بود هر که دانا بود**

**زدانش دل پیر برنا بود**

آقای زرین کوب پیرامون قدرت غرب می نویسد: «تفوق و برتری غرب در این برخوردار مستمر جز تفوق اسلحه اش که علم و فرهنگ اوست سببی ندارد و اگر دنیای اسلام می خواهد در این معرکه مخفی هم دست کم به قدر معرکه قدیم پیروزی بیابد، چاره ای جز آن ندارد که در «نوع اسلحه» خویش تجدید نظر کند و بر اساس علم و فرهنگ گذشته، نه آنچه کورکورانه از غرب گرفته است. بنای علم و فرهنگ تازه ای بگذارد.»

به عقیده ی سقراط هیچ چیز چون دانش و معرفت سودمند نیست.

کسی به کاری که بداند خطا است، دست نخواهد زد یعنی کار خطا با عقل سازگار نیست و زیانش به خطا کار می رسد. عالی ترین خیر، سعادت است و بهترین وسیله درک سعادت دانش است.

برتر اندراسل دانشمند معروف می نویسد «زندگی خوب آن زندگی است که از محبت و دانش آمیخته باشد و یکی بدون دیگری بی ثمر است». افلاطون معتقد بود که تنها

علم راه خوب را نشان می دهد بگفته شوپنهاور، برای خوب مردن باید خوب زیست و برای خویتر زیستن باید علم و دانش اندوخت.

ویل دورانت می گوید: سعادت ما منوط به آن چیزی است که در سر داریم نه آنچه که در جیب داریم.

**نام نیکو گر بماند ز آدمی**

**به کز او ماند سرای زرنگار**

بزرگترین خیر و نیکی آن است که اتحاد و پیوندی را که ذهن و اندیشه آدمی با طبیعت دارد بفهمیم، هر چه ذهن بیشتر بداند نیروهای خود و نظم طبیعت را بهتر می فهمد و درک می کند و هر چه بیشتر به نیرو و توانایی خویش پی ببرد بهتر خواهد توانست خود را رهبری کند و برای خویش قوانین و مقرراتی بوجود آورد و هر چه با نظم طبیعت آشنا شود آساتر خواهد توانست خود را از چنگ شیطین و اهریمن ها و سایر چیزهای بی فایده رها سازد. اکنون که همچنان بعد از یکهزار و چهار صد و بیست سال، مسلمانان معتقد و با ایمان با انبوه جمعیت خود در روزهای جمعه و روزهای اعیاد اسلامی در پای منابر و تریبون های علمای محترم اسلامی قرار دارند چنین جمعیت با شکوهی بهترین وسیله و روشی است که علمای محترم در ارتباط با مسایل علمی و فراگیری دانش در خطبه های خود بحث نمایند و فراگیری علم را چون سایر واجبات و فرایض دینی با تاکید هر چه بیشتر برای مردم بازگو نمایند بطوریکه فراگیری و بدنبال یادگیری علم رفتن در ذهن مردم همچون نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن چون ستونی غیر قابل تخریب نهادینه شود تا بتوانند بدور از شعارهای بی پشتوانه علیه کفار و قدرت های طغیانگر با سلاح علم و دانش به جنگ طاغوتیان زمان برخیزند. قطعاً در آنصورت دنیای اسلام بر جهان همانگونه که آرزوی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ بوده است مسلط خواهد شد. بدون تردید اگر مسلمانان افغانستان با توجه به ایمان قویشان از علم و دانش و تکنولوژی مطلوبی برخوردار می بودند، هیچ گاه مورد تاخت و تاز ابرقدرتها قرار نمی گرفتند. بنابراین امروزه هر کشوری آنچه که دارد اگر غنی است، اگر فقیر است اگر ضعیف است، وضع موجود آن محصول وضعیت علمی آن است که در آن کشور وجود دارد.

\*\*\*\*\*